



انتخاب مجدد آقای جنتی ۹۹ساله به عنوان دبیر شورای نگهبان چه معنایی دارد!

عباس عبادی پژوهشگر مسائل سیاسی

انتخاب مجدد آقای جنتی ۹۹ساله توسط اعضا به عنوان دبیر شورای نگهبان که مهم‌ترین و قدرتمندترین و غیر پاسخگوترین نهاد کشور است چه معنایی دارد؟ آیا انتخاب‌کنندگان معنای این کار خود را نمی‌دانستند؟ چگونه ممکن است که حوزهای علمیه در ۵۰ سال اخیر نتوانسته‌اند، حداقل ده یا بیست نفر مجتهد مسلم و باسواد تربیت کنند تا این‌بار را از دوش این پیر مرد بردارند؟ به‌طور قطع بعید است که این تعداد روحانی تربیت نشده باشند.

تقریباً این گزاره لقلقه‌زبان همه است که «ایاد از جوانان استفاده کرد.» علت هم روشن است چون همه به صورت غریزی می‌دانند که پسندیده نیست افراد مسن به‌طور پیوسته ۵۰+۴۰ سال در سریر قدرت باشند. اول اینکه مردم خسته می‌شوند، حتی اگر این افراد نزد مردم محبوب باشند باز هم مردم دوست دارند که چهره‌های مطلوب‌یشان در اوج کنار بروند تا شاهد افت آنان نباشند، چه رسد که بخوانند افول و توانایی آنان را ببینند.

اصولاً روزشکاران اغلب با آخرین دستاوردهایشان به یاد می‌آیند. شاید این داوری با گذشت زمان برای روزشکاران اصلاح شود، ولی احتمالاً برای سیاستمداران هم همین اساس داوری خواهد شد. به نظر عملگرند آنان هم تعیین‌کننده نیست، بلکه دیدن چهره‌های تکراری در قدرت خوشایند نیست، به هر دلیل هنگامی که سیاستمداران از یک سوی خواهند بمانند و از سوی دیگر یا تن به تغییر نمی‌دهند یا اگر هم بخواهند قادر به تغییر نیستند، پس مجبور می‌شوند که به هم‌سمن و سال‌های خود یا جوانانی فاقداعتبار بسنده کنند.

انتخاب مجدد آقای جنتی ۹۹ساله توسط اعضا به عنوان دبیر شورای نگهبان که مهم‌ترین و قدرتمندترین و غیر پاسخگوترین نهاد کشور است چه معنایی دارد؟ آیا انتخاب‌کنندگان معنای این کار خود را نمی‌دانستند؟ چگونه ممکن است که حوزهای علمیه در ۵۰ سال اخیر نتوانسته‌اند، حداقل ده یا بیست نفر مجتهد مسلم و باسواد تربیت کنند تا این‌بار را از دوش این پیر مرد بردارند؟ به‌طور قطع بعید است که این تعداد روحانی تربیت نشده باشند.

حتماً ده‌ها و صدها روحانی باسوادتر از آقای جنتی هستند که اغلب میانسال بوده و آماده‌یافای چنین نقشی هم هستند، ولی به عنوان دبیر انتخاب نمی‌شوند. چرا؟ پاسخ اجمالی من این است که نیروهای جوان برای آنان از دو جهت غیر قابل اعتماد هستند. اول از جهت نگرش‌ها و برداشته‌ها متفاوت هستند.

اغلب جوانان و نیروهای جدید با تفکرات و قالب‌های ذهنی گذشتگان که به نوعی منجمد است، همسویی و همراهی ندارند. حق هم دارند، چون نیروهای جوان از تباطؤ بیشتری در جامعه دارند و مهم‌تر اینکه در تعامل با دیگران از موضع قدرت عمل نکرده‌اند، چون قدرتی نداشته‌اند و همین موجب شده چیزهایی را به لحاظ منطقی بپذیرند که افراد سالم‌اند نمی‌پذیرند.

این سالمندان همیشه از موضع قدرت و اقتدار و غیر پاسخگویی حرف زده‌اند، و به همین علت دچارانسداد شده‌اند. از جهت دیگری هم به آن‌ا پی‌اعتماد هستند، برای نمونه در خبرگان رهبری شو‌اهد این مساله دیده شد. گمان می‌کنم تاکنون دو جوان حدود ۳۰+ساله در دوره چهارم و پنجم مجلس خبرس‌گان انتخاب، و هر دو نفر دچار مشکل شدند. یکی مجبور به استعفا شد، دیگری هم در میانه راه غیبت زد و کلی مساله درست شد! چون جوانان نمی‌توانند خود را در قالب‌های سنتی و به هر شکلی محدود کنند.

البته برخی هم فرصت‌طلب هستند و در عمل معلوم می‌شود که گرهی از کار مدیران سالمندان نمی‌کنند، دنبال نمایش و سوءاستفاده هستند، به همین دلیل به سرعت عطای آنان را به لقایشان می‌بخشند. در دولت قبلی مصادیق این نوع جوان انقلابی دیده می‌شود. هنوز هم در عرصه عمومی حضور دارند، افرادی بسیاری می‌ایه که قابل اتکانبستند.

باین توصیفات، جوانگرایی یک تحول‌شکلی نیست، مثل این نیست که اگر تاکنون از رنگ سبز استفاده کردیم، حالا برای نوع از رنگ آبی استفاده کنیم. جوانگرایی در واقع یک تحول و تغییر معنیت‌ها و کیفی است. اتفاقاً کاربرد همین کلمه «جوانگرایی» به ایران است. گویی سالمندان برای خود حق قابل هستند که حالا به جوانان راه دهند یا ندهاند. این عین تبعیض است. قرار نیست کسی یا کسانی جوانگرایی کنند. باید میدان برای حضور همه اعم از جوان یا سالمند یافرد ۹۹ساله، باز باشد.

برابری حقوق برابر حضور در عرصه، جوان و میانسالی نمی‌شناسد. جوانگرایی در تیم فوتبال نیست که مدیریت تیم به فکر آینده باشد. در آنجا بهترین بازیکنان را که به پا سن گذاشته‌اند رد می‌کنند و عذرشان را می‌خواهند، نه آنکه همچنان به حضور آنان تن دهند. وجود همین کلمه «جوانگرایی» ریشه‌های سالمندگرایی را نشان می‌دهد.

مساله جوانگرایی نیست، سبطره نوعی از الیگارشی است. بد نیست فرضیه دیگری را هم به یوش بگذاریم. چرا روسای جمهور امریکا در دو دوره اخیر این اندازه پیر هستند؟ یا جوانان آنان ناکارآمد و ضعیف هستند؟ قطعاً خیر.

الیگارشی فاسد، موقت‌ات‌ها و جمهوری‌خواهان به جای رسیده است که راه را برای حضور دیگران بسته است، حتی اگر فرد میانسالی هم مثل او بماند وارد میدان شود، به سرعت در دل این الیگارشی فاسد تحلیل رفته و جذب خواهد شد. پرونده عجیب یک قاچاقچی اسلحه و دلال فسادجنس که کودتاکار برای مقامات آمریکایی و نقش اسرائیل و موساد در این باره به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهد.

عضو کمیسیون امور داخلی کشور وشوراه: چهار کمیسیون مجلس، مسوول بررسی لایحه تشکیل سازمان ملی مهاجرت شندند

سرویس سیاسی – عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها از بررسی لایحه ساختار، وظایف و اختیارات سازمان ملی مهاجرت در کمیسیون مشترک با حضور نمایندگان از چهار کمیسیون تخصصی خبر داد.

ولی‌الله یثاتی دبیراه تشکیل کمیسیون مشترک بررسی لایحه ساختار، وظایف و اختیارات سازمان ملی مهاجرت در مجلس شورای اسلامی گفت: امروز در صحن علنی مجلس نمایندگان با تقاضای نمایندگان برای بررسی این لایحه بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی موافقت شد.

نماینده مرکزی آشتیان، نقرش ورفراhan در مجلس شورای اسلامی افزود: این لایحه با ۵۶ ماده و نزدیک به ۶۰۰ پیشنهاد توسط نمایندگان در سامانه ثبت شده است اما با توجه به اینکه بررسی آن در صحن مجلس طولانی می‌شود، تصمیم بر این شد که بررسی جزئیات آن بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیون واگذار شود.

وی درباره ترکیب کمیسیون مشترک گفت: ۷ عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، ۹ عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها، ۵ عضو کمیسیون اجتماعی و ۲ عضو کمیسیون حقوقی و قضائی که در مجموع ۲۳ نماینده می‌شود، اعضای کمیسیون مشترک برای بررسی لایحه ساختار، وظایف و اختیارات سازمان ملی مهاجرت بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی را تشکیل می‌دهند.

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها خاطر نشان کرد: بر اساس لایحه در سازمان ملی مهاجرت یک شورای راهبری به ریاست وزیر کشور در نظر گرفته شده تا سیاست‌گذاری در این حوزه انجام شود. همچنین برای کسانی که اتباع غیر مجاز را اسکان دهند یا آنها را به کار گیرند و همچنین برای تردد اتباع غیر مجاز و عاملین این کار جرم‌انگاری شده است. در اصل ۸۵ قانون اساسی آمده است: «استم نمایندگان قانیه به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون گذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.»

سیاسی

ناصر فکوهی استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران عنوان کرد:

سانسور، انحصار رسانه‌ای، تندروی، بستن اینترنت و... دروازه نفوذ

سرویس سیاسی – اطلاعات هر دوربینی که ولو برای مراقبت از حجاب افراد را رصد کند از طریق شبکه قابل هک شدن و از طریق هوش مصنوعی قابل تحلیل و یافتن اطلاعات محرمانه و فوق سری پیگانگان است!

ناصر فکوهی؛ استاد گره و انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی و ایران‌شناسی به پرسش‌های مطرح شده درباره ضرورت توجه به مطالبات افکار عمومی و همچنین تبعات منفی نادیده گرفته شدن خواست‌های اکثریت جامعه پاسخ داده است:

*** با توجه به نقش مثبت مردم در طول دوره جنگ ۱۲ روزه و خشنی‌سازی برنامه‌های دشمنان، نظام حکمرانی متقابلاً چه وظیفه‌ای در قبال مردم دارد؟**

حاکمیت در ایران (همچون هیچ کشور دیگری) یک‌دست نیست و منظور از آن هم، تنها حکومت و دولت منتخب نیست.

اما باید توجه داشت وقتی ما از حاکمیت به شکلی که در پرسش شما آمده، صحبت می‌کنیم –و پرسش مهم و به‌جایی هم مطرح می‌شود- باید این را هم بگوییم که منظور ما، چه «حاکمیت‌ای

به عبارت دیگر، این نکته بدیهی است که اختلاف‌های زیادی در حاکمیت ممکن است وجود داشته باشد و تازه بحث «نفوذی‌ها»

از یک سو و کاسبیکاران تحریم و «تندروهای سفارشی» را من

کنار می‌گذارم.

بحث در حقیقت آن است که اختلافات درون ساختار را به

گونه‌ای که در نهادهای بالاسری و میان‌دستی در ایران تعریف

شده، باید خودشان از خلال سازماندهی‌هایی که ما اشرافی

و قدرتی در کنترل آنها نداریم، حل کنند تا ابتدا به تصمیمی

یک‌دست یا نسبتاً یک دست در وظیفه خود برسند هم در قبال

مردم و هم در قبال آینده ایران و تهدیدهایی که هنوز تمام نشده

در دو آینده شاید بیشتر هم بشوند.

توضیح بیشتری بدهم: اگر ایران کشوری بود که در آن پراکتش قدرت سیاسی و اجتماعی و به ویژه مدنی به صورت بسیار بالایی با ضمانت‌های حکمی برای تقابل اندیشه و به‌خصوص نقد صریح عملگردها، وجود داشت، شاید اصولاً پرسش شما بی‌معنا می‌بود. اما متأسفانه ما از یک سو تراکم بی‌نهایت بالای قدرت ارتباطی (از طریق فیلترینگ، انحصار رسانه‌ای، سرعت پایین اینترنت، نظارت‌ها، فشارها و فضای بسته سیاسی و...) داریم و از سوی دیگر دست بسیار باز قدرت را در به وجود آوردن موقعیتی که مسترس‌ها به همه چیز (از اقتصاد تا اطلاعات و آزادی بیان و ضمانت آزادی بیان) آن هم به صورتی کاملاً بی‌ناشنخص و مبهم.

برای نمونه گروهی از افراد و رسانه‌ها را می‌بینیم که به سادگی هر چیزی تمایل دارند را مد مطرح می‌کنند و هیچ مشکلی برای اشان پیش نمی‌آید و بر عکس گروهی دیگر با کمترین انتقاد زیر بالاترین فشار قرار می‌گیرند. در این حالت ما با موقعیتی بنا بر تعریف آنویمیک در خود حاکمیت روبرو هستیم که دیگر مشخص نیست حتی خطوط قرمز آن چیست و کی‌جاست.

ابهام و غالب شدن شکل و ظاهر مسائل بر محتوا و باطن آنها در ایران بالای جان هم مردم و هم خود حاکمیت شده کاملاً اینکه ما داستان نفوذی‌ها و ضربه‌ای را که از آنها بر کشور وارد شد سال‌هاست هشداری می‌دادیم. کنترل شدید سانسور، کمبود یا نبود فضای باز سیاسی، انحصار رسانهای، «تندروهای کاملاً هدف‌مند»، بستن اینترنت و باز کردن پای فیلتر شکن‌ها و سخت‌گیری و دخالت در زندگی خصوصی مردم در دیگر کردن نیروهای امنیتی و مسؤول حفظ نظم در کشور در مسائل مربوط به زندگی روزمره... دروازه ورود همه کد نفوذ دشمن است و همین نیز شد.

دشمن به دنبال یافتن همه آدرس‌های فوق محرمانه برای ضربه زدن بسو و ظواهر از طریق نفوذی‌ها یا هر گونه عملیات امنیتی می‌یافت، و بسیاری از کسان و دستگاه‌های غریض و طویلی که باید مراقب حفظ و پنهان ماندن مسائل کشور باشند، در کار آن بودند که مثلاً خانها درون ماشین‌هایشان در میان اتوبان یا دوربین‌های مدار بسته کنترل شوند و برایشان پیامک هشدار فرستاده‌شود!

حتی اگر اعاا شود کشوری قادر است هر دو کار یعنی هم

راهکار وزارت نیرو برای حل تنش آب؛

مردم، مقصر همیشگی!

زمانی منطقی است که شبکه سراسری دچار افت فشار مقطعی باشد، نه زمانی که در بسیاری از مناطق آب کلاً قطع شده یا تنها در ساعات محدودی از شبانه‌روز، آن هم با فشار ناچیز، در دسترس قرار می‌گیرد.

این در حالی‌ست که به جای ارائه راهکارهای علمی، اصلاح زیرساخت‌ها یا اطلاع‌رسانی شفاف درباره دلایل بحران، نهاد مسئول با توصیه‌های غیر کاربردی، خود را از مسئولیت مبرا می‌سازد و بار تأمین آب را تمام‌قد بر دوش مردم می‌گذارد.

بحران پنهان: شکاف طبقاتی آبی
نکته تا‌مسف‌بار تر اینجاست که در شرایط کنونی، تنها خانوارهایی که توان مالی تهیه مخزن، پمپ و تجهیزات جانبی را دارند، قادر به تأمین حداقلی آب خواهند بود؛ این یعنی بحران آب، تبدیل به بحران عدالت اجتماعی نیز شده است. خانواده‌هایی که در محله‌های کم‌برخوردارتر زندگی می‌کنند، عملاً گزینه‌ای جز تحمل بی‌آبی ندارند.

آیا پاسخگویی وجود دارد؟

در شرایطی که رسانه‌ها و مدیران بارها نسبت به مدیریت ناکارآمد منابع آبی، پروژهای انتقال آب بی‌ضابطه، و عدم مهار مصرف در بخش‌های پر هزینه هشدار داده‌اند، سکوت

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۴، ۲۶ محرم ۱۴۴۷، ۲۲ جولای ۲۰۲۵، شماره ۴۷۵۱، صفحه ۵



کشور ما نخستین بهنای در این منطقه است که صد سال پیش پرچم مشروطه طلبی و دموکراسی را بالا برد و در تمام این مدت قدرت‌های بزرگ مانع آن بودند که به آزادی و عدالت‌خواهی و دموکراسی برسد، زیرا با منافع آنها سازگار نبود و در این راه

همواره از هم‌دستان داخلی استفاده کرد داشت.

بنابراین راه رسیدن به موقعیت بهتر اقتصادی در راهی فناورانه و به ویژه نظر به‌های بی‌پایه تولیدیستی (نه لیبرالی که بسیار نیز می‌تواند بر محور انسان و جامعه، اقتصاد مفیدی را به وجود بیاورد) بلکه در بازگشت به مردم است. بی‌توجهی به این مسائل و بی‌عملی و پشت گوش انداختن آنها به محض خروج از این بحران همواره خطر را برای کشوری مثل کشور مادر بزرگناه بعدی بیشتر می‌کند. اقتصاد کنونی، بر مبنای در هم شکستن طبقه متوسط است و هیچ مورد تاریخی نداریم که چنین بهانه به دست دشمن خارجی از یک سو و شعارهای براندازی رادیکال که از سوی گروهی مطرح می‌شوند که حتی حاضرند با دشمنانی که ایران را بمباران می‌کنند، همساز شوند و زیر پرچم

آنها بروند، دو روی یک سکه هستند.

در جهان امروز بی‌شک باید ما قدرتمند باشیم و بسیار قدرتمند اما قدرت نه در سلاح (یا دست‌کم نه فقط در سلاح) بلکه بسیار بسیار بیشتر در پشتیبانی مردمی است. و دشمنان داخلی کسانی بوده هستند (چه نفوذی و چه غیر نفوذی) که در طول چندین دهه، بیشترین فشار را آورده‌اند که مسئولان به جای رسیدگی و آشتی و پذیرش خواستهای مردم، در برابر مردم خودشان قرار بگیرند، افراد را تحریک کرده‌اند تندترین شعارهای سیاسی ولو کاملاً غیر قابل اجرا را داده‌اند، چرا؟ روشن است تا بهانه همین حملات فراهم شود. دوستان هم کسانی بوده‌اند که همواره طرف‌دار صلح و آرامش، مخالف خشونت و تفرقه انداختن میان مردم و فشار بر آن‌ها بوده‌اند.

*** مشکلات اقتصادی اصلی ترین دغدغه و مطالبه مردم به حساب می‌آید. دولت چطور می‌تواند مردم را درباره واقعیت‌های اقتصادی به آگاهی لازم برساند تا جامعه قضاوت اشتباه درباره کار آبی دولت نداشته باشد؟**

مشکلات اقتصادی ایران، در حقیقت اقتصادی نیستند. ایران کشوری فقیر نیست که نیروی انسانی کارآمد اقتصادی و مدیریتی نداشته باشد و با فاقد منابع غنی و حتی دارایی‌های بسیار بزرگ تقد نباشد. مشکل در آن است که از نیروهای قوی اقتصادی و مدیریتی استفاده نمی‌شود به این بهانه که آن‌ها «فقلائی» نیستند، یا به این دلیل که آن‌ها «متعهد» نیستند؛ پرشش این است: چه انقلابی و تعهدی بالاتر از دفاع از کشور وجود دارد؟ مردم ما نشان دادند که در بدترین شرایط تحریم و فشار خارجی زیر بار نقشه آنها برای به جان هم انداختن و ایجاد آشوب و تفرقه درونی و استفاده از شکاف‌های سیاسی و قومی و غیره، نمی‌روند و بهترین همراهی را با دولت کردند و همین دلیل اصلی عقب کشیدن دشمنان، در کنار دلایل نظامی و ژئوپلیتیکی بود.

بنابراین به نظر من اگر خواستهای مردم برآورده شود و یاحتی گامهایی جدی به سوی آنها برداشته شود به صورتی که مردم امید به آینده پیدا کنند، حتی اگر چندین سال نیز طول بکشد که به آن خواسته‌ها برساند، اما ببینند که مسئله جدی است و حرکت صنعتی و مقطعی نیست، شکی نداشته باشیم که ایران با سرعت می‌تواند جهت لغو تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های عظیم خود در خارج ایران و افزایش منابع اقتصادی و جلب سرمایه‌داری

بین‌المللی و داخلی به صورت سالم اقدام و این مشکلات را دست‌کم در حد بلایی حل کند.

ایران یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان، آن هم در جهانی است که در حال‌شکل دادن به آسیا به قدرت بزرگ و غالب قرن بیست و یکم است. اما اگر تصور کنیم مثلاً با کشوری همچون ایران، با فرهنگ و موقعیتی مثل ایران نوعی اقتدارگرایی از نوع چین به ضرب تسلیحات زیاد و یا حتی بمب اتم) می‌تواند ایران را به موفقیت اقتصادی برساند این نشانه آن است که نه موقعیت باستانی و کنونی و ترکیب‌های فرهنگی، جمعیتی، قومی و اجتماعی چین در دوران باستان و کنونی را می‌شناسیم و نه این موقعیت‌ها را در ایران.



در حالی است که بسیاری می‌پرسند: وقتی آبی نیست، پمپ به چه درد می‌خورد؟ شاید وقت آن رسیده باشد که به جای صدور بیانه‌های بی‌خاصیت، نهادهای مسئول با مردم صادقانه سخن بگویند و برای مدیریت بحران، راهکارهای واقعی و مسئولانه ارائه دهند. چرا که آب، حق مردم است نه کالایی لوکس برای صاحبان پمپ و مخزن.

مسئولان و انداختن بار مشکلات به دوش مردم جای سوال دارد. آیا نباید دستگاه‌های مسئول، برنامه‌ای جدی برای رفع ریشه‌ای بحران ارائه دهند؟ یا ق‌ر است مردم، مانند همیشه، قربانی بی‌تدبیری‌ها شوند؟

در حالی که پایتخت‌نشینان با ظروف خالی و شیرهای خشکیده دست‌وپنجه نرم می‌کنند، شرکت آب منطقه‌ای تهران از آنها می‌خواهد، با پمپ، به جنگ بی‌آبی بروند! این

۴۴۴۲۴۹۶۹

۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصادشماره ۱۰۰۰